

## میلاد امام جعفر صادق(ع)

۱۹ دی

نام: جعفر (امام ششم شیعیان)  
رئیس مذهب جعفری  
القاب: صادق - مصدق - محقق -  
کاشف الحقایق - فاضل - طاهر  
کنیه: ابو عبدالله - ابواسماعیل -  
ابوموسی

نام پدر: امام محمد باقر(ع)  
نام مادر: فاطمه (ام فروه) دختر  
قاسم بن محمد بن ابی بکر  
تولد: هفدهم ربیع الاول سال ۸۳  
هجری در شهر مدینه  
مدت عمر: ۶۵ سال  
مدت امامت: ۳۴ سال  
مرقد مطهر: قبرستان بقیع

۸۳ هـ ق

تولد در شهر مدینه در روز ۱۷  
ربیع الاول در زمان خلافت عبدالملک  
بن مروان

۸۶ هـ ق

مرگ عبدالملک و خلافت ولید بن  
عبدالملک

۹۵ هـ ق

شهادت جد بزرگوارشان امام  
سجاد(ع) در زمان حکومت ولید بن  
عبدالملک

۱۱۴ هـ ق

شهادت امام محمد باقر(ع) و  
آغاز امامت امام جعفر صادق(ع) در  
سن ۳۱ سالگی. دوران امامت امام  
جعفر صادق(ع) مصادف بود با پایان  
حکومت امویان.

۱۲۸ هـ ق

تولد فرزندان امام موسی کاظم(ع)  
در هفتم ماه صفر

۱۳۲ هـ ق

پایان حکومت امویان با مرگ مروان  
حمار و آغاز حکومت عباسیان با  
به حکومت رسیدن ابوالعباس سفاح  
عباسی

۱۳۶ هـ ق

مرگ سفاح عباسی و به حکومت  
رسیدن منصور عباسی

۱۴۸ هـ ق

شهادت امام جعفر صادق(ع) در سن  
۶۵ سالگی، به دست منصور

## شهادت امام حسن عسگری(ع) و آغاز امامت امام زمان(عج)

۱۰ دی

امام حسن عسگری می فرماید:  
«خشم و غضب کلید هر نوع بدی و  
شر است. (تحف العقول، ص ۵۱۹)

# رضا نام دیگر حسین است

رضا، زمزمه آخرین حسین است در قتلگاه، در افتادن و برخاستن.  
رضا، کمال عاشورا است در چهره ارغوانی حسین، ترنم لبانی تشنه که زیر تیغ  
آفتاب، تشنه دشنه هستند که به نوازش حلقوم غریب و شکسته صدای او می آید.  
حنجره خشکیده در غریبی قتلگاه می خواند: «الهی رضا بقضائک تسلیم لا مرک»  
رضا، صدای منتشر همه گلوهای حق گوست.  
و رضا، نام توست یا علی بن موسی الرضا!

منبع: غریبان را غریبان می شناسند / محمد رضا سنگری / نوید شیراز ۱۳۹۲.  
۲ دی / شهادت امام رضا

## شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر

۲۰ دی

### وقایع اتفاقیه

این ملت گرسنه است، بی سواد است. نه  
فرهنگ دارد، نه هنر، نه صنعت، نه تجارت.  
حالا این ملت گرسنه بی سواد و بی هنر،  
روزنامه می خواهد چه کند؟»

امیر آهی کشید و گفت: «هرچه بلا و  
مصیبت داریم، از چهل و بی سواد است.  
هرچه دود خرافه و شایعه است، از آتش  
نادانی برمی خیزد. ممالک مترقی در  
کشورشان روزنامه دارند. روزنامه  
باعث اعلام خبرهای مهم و  
دادن آگاهی به عموم  
است.»

اولین شماره «وقایع  
اتفاقیه» روز جمعه  
پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷  
هـ. ق منتشر شد. وقایع  
اتفاقیه هفته نامه بود و به شیوه  
چاپ سنگی منتشر می شد.  
قیمت آن هم ده شاهی  
(نیم ریال) بود.

منبع: امیر کبیر. فرهاد حسن زاده.  
مدرسسه. ۱۳۹۱.



بیشتر امیر کبیر را با «دارالفنون»  
می شناسند، در حالی که تأسیس دارالفنون  
تنها یکی از اقدامات مهم و ملی او بود.  
انتشار وقایع اتفاقیه یکی دیگر از اقدامات  
وی محسوب می شود. امیر کبیر هم غرور  
ملی داشت و هم اندیشه بین المللی.

شاه تیله ای را که در دست داشت،  
بالا گرفت و در حالی که از پشت  
آن به نور شکسته چلچراغ  
نگاه می کرد، گفت: «فایده  
این کار چیست؟»

امیر که با کاغذهای توی  
دستش، خودش را باد  
می زد، گفت: «فایده کدام  
کار؟ تیله بازی شما یا  
روزنامه چاپ کردن  
من؟»

ناصرالدین شاه خندید؛  
خنده ای پر صدا و طولانی.  
شاه تیله رنگی اش را  
سرجایش گذاشت و گفت:  
«تو خودت بارها گفته ای



## ميلاد پيامبر اسلام(ص)

۱۹ دی

### چونان آفتاب

حسین (ع) می گوید: «از پدرم علی (ع) خواستم از پیامبر (ص) برایم بگویند. گفت: پیامبر (ص) به ماه شب چهارده می ماند. تابناک بود و پیشانی اش گشاده و بلند و ابروانش کشیده. اندوهش پیوسته بود و آسایش نداشت. جز به هنگام لزوم و نیاز، سخن نمی گفت. صریح بود؛ نه جویده و نامفهوم سخن می گفت و نه زیاد و کم. ملایم و مهربان و نرم خو بود. وقت خود را سه قسمت می کرد: یکی برای خدا، یکی برای خانواده و یکی برای خودش. آن گاه سهم خود را میان خدا و مردم تقسیم می کرد؛ از یاران خود خبر می گرفت، و از حال مردم می پرسید. می گفت: اگر کسی نمی تواند حاجت و مشکل خود را به من برساند، بر شماست که آن را به من برسانید.

کارهای او به قاعده و هماهنگ بود. از حق کوتاه نمی آمد و از آن زیاد نمی رفت. هر گاه به مجلسی وارد می شد، در اولین جایی که پیدا می کرد، می نشست و به دیگران چنین سفارش می کرد، هیچ کس گمان نمی کرد کسی از دیگری به او نزدیک تر است. درنگ می کرد تا هم نشین او اول برخیزد، آن گاه برمی خاست. هر کس از او حاجتی می خواست، دست خالی باز نمی گشت؛ یا به خواسته اش رسیده بود یا گفتاری رضایت بخش شنیده بود. حسن خلق او فراگیر بود؛ چون سایه ای که بر سر همه شهر افتاده باشد، یا چونان آفتابی که بر همه جا تابیده باشد» (بحار الانوار، ج ۱۷: ۱۵۳-۱۴۸).



## ميلاد حضرت مسیح(ع)

۴ دی

### فرمان خدا

به خواست خداوند مریم باردار شد. زمانی که درد وضع حمل بر او چیره شد، خود را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند که خشکیده بود. در این حال گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می شدم!» ناگهان از پایین پای خود صدایی شنید که می گفت: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آب (گوارایی) قرار داده است و نظری به بالای سرت بیفکن، بنگر چگونه ساقه خشکیده، به درخت نخل باروری تبدیل شده که میوه ها، شاخه هایش را زینت بخشیده اند. تکانی به این درخت نخل بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد. از این غذای لذیذ بخور، و از آن آب گوارا بنوش، و چشمت را به این مولود جدید روشن دار، و هر گاه کسی را دیدی، با اشاره بگو: من برای خدای رحمان روزه گرفته ام و امروز با احدی سخن نمی گویم. این نوزاد خودش از تو دفاع خواهد کرد.» سرانجام مریم در حالی که کودکش را در آغوش داشت، از بیابان به سوی اقوامش آمد (مریم ۲۷-۲۳).